

در آستان صحیفه

به کوشش: حمید سلیم گندمی*

چکیده: این گفتار، نه نکته در مورد صحیفه سجادیه را دربردارد، که جمعی از عالمان شیعی، از قرن یازدهم تا زمان حال درباره صحیفه گفته‌اند. در این نکات، درباره اعتبار و تواتر سندی صحیفه، طرق روایتی صحیفه، شناسایی برخی از نسخه‌های خطی صحیفه، و نیز: نقد، تکمله، توضیحات یا وقف نامه‌هایی بر بعضی کتاب‌های مربوط به صحیفه، بحث و گفت و گو می‌شود. بیشتر این نکات، از نسخه‌های خطی منتشر نشده یا نسخه‌های کمیاب، استخراج شده است.

کلید واژه‌ها: صحیفه سجادیه (کتاب) / صحیفه سجادیه، اعتبار سندی / شرح صحیفه سجادیه، وقف‌نامه / صحیفه سجادیه، اجازات روایتی / صحیفه ثالثه سجادیه (کتاب) / صحیفه سجادیه، نسخه‌های خطی / خوانساری، آقا جمال / خوانساری، آقا حسین / اصفهانی، محمد طاهر / خوانساری، میر کبیر / نوری، میرزا حسین / زنجانی، سید محمود / تهرانی، آقا بزرگ / افندی اصفهانی، عبدالله / کاشانی، مولی غلامرضا / همایی، جلال الدین

«صحیفه سجاده» از زمان طلوع در آسمان علم و دین، همچون قبله‌ای برای قبیله ایمانیان بوده که روی به سوی آن داشته‌اند و همچنان دارند.

جاذبه این کتاب آسمانی الهی، همواره دانشوران را بر آن داشته، که بر گرد آن کعبه معرفت، به طواف معنوی برخیزند.

به همین دلیل، نسخه‌ها، ترجمه‌ها، شروح، حواشی فراوان، به دست اندیشمندان، از سده‌های پیشین تاکنون نگاشته شده است. افزون بر آن همه، نکاتی پراکنده در حواشی نسخه‌های کهن، کتابهای خطی منتشر نشده یا کتابهای کمیاب اندک شمار - که در حکم نسخه‌های خطی به شمار می‌آیند - دیده می‌شود.

از آنجا که این گونه نکات پراکنده، به طور طبیعی، از منظر پژوهشیان ارجمند به دور می‌ماند، بر آن شدیم که به کمک رشته‌ای معنوی از «توجه به صحیفه سجاده»، این گوهرهای پراکنده را در کنار هم جای دهیم. هر یک از این فوائد متفرقه، نکته‌ای خاص در موضوعی از موضوعات وابسته به صحیفه سجاده را دربردارد. بدیهی است که تفاوت زبان یا حجم یا سطح مطلب در میان این نوشتارها، نباید کسی را از بهره‌وری مانع شود.

برای بهره‌وری بیشتر پژوهشگران، نکات مربوطه، به ترتیب زمانی مرتب شده‌اند و در صدر هر نکته، توضیحی بسیار کوتاه در مورد نویسنده، موضوع و منبع کلام، آمده است.

از پژوهشیان والامقام انتظار داریم که همچنان «در آستان صحیفه»، به ما یاری رسانند.

باید دانست که نکته سوم به اهتمام جناب محمود نظری، نکته ششم و هفتم به دلالت و اشراف استاد محقق عبدالحسین حائری، و نکته‌های ۱ و ۴ و ۵ و ۸ به اهتمام صدیق فاضل جناب عبدالحسین طالعی فراهم شد.

سپاس از همه این بزرگواران و طلب رحمت و رضوان الهی برای آستان نشینان صحیفه سجاده، بر این بنده فرض است. اجر تمامی آنان با سید الساجدین باد.

نکته ۱: تواتر صحیفه، قائل «حدّثنا»

توضیح: آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹)، از دانشوران بلندپایه عصر صفوی است که جامعیت او در علوم مختلف اسلامی، زبان زد بود. کتاب مشهور او «مشارق الشموس فی شرح الدروس» است و ترجمه‌ای به فارسی از صحیفه سجادیه نیز دارد. (ر.ک. دائرةالمعارف تشیع، ج ۷، ص ۳۱۶).

نکته‌ای که از او نقل شده، در حاشیه نسخه‌ای از صحیفه سجادیه آمده است که به خط میرابوالقاسم کبیر (۱۰۹۰-۱۱۵۸) بوده و توسط حفید او، مرحوم آیه‌الله سید احمد روضاتی در تیراژ محدود به چاپ عکسی رسیده است. (تهران، شهریور ۱۳۶۸ شمسی).

بسم الله الرحمن الرحيم

مخفی نماند که این صحیفه کامله مبارکه، بسیار عظیم الشأن و جلیل القدر است. و در میان علماء آن را به زبور آل محمد و انجیل اهل بیت می‌نامند. و نسبت آن به امام همام سید العابدین و الساجدین حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما، مشهور و متواتر است، مانند کتابهای دیگر به مصنفین آنها. و حاجت به نقل این نیست که فلان و فلان روایت کرده، لیکن متعارف علماء شده که از باب تيمّن و تبرّک، نقل راویان و استادان خود می‌کنند تا حضرت معصوم عليه السلام. و نقلی که در این دیباجه است، از آن باب است. و علماء را در این خلاف است که آن کسی که از سید بزرگوار روایت کرده، کیست. بعضی را اعتقاد، آن است که محمد بن سکون است که از معتمدین علمای امامیه است. و بعضی را گمان این است که عمید الرؤساء است که او نیز از بزرگان فقهاست. والله اعلم.

من افادات شيخ مشايخنا الكرام آقا حسين الخوانساري اعلى الله درجته في ترجمة الصحيفة المباركة، علي ما نقل عنه.

نکته ۲: پنج فائده در مورد صحیفه سجادیه

توضیح: مولی غلامرضا کاشانی از دانشوران قرن دوازدهم است که کتاب «حدائق الصالحین» خود را در شرح صحیفه، در اوائل این سده نگاشته است. چنان که از عبارات

دعایی او در مورد میرزا محمد شیروانی متوفی ۱۰۹۸ (برگ ۱۶) و علامه مجلسی متوفی ۱۱۱۰ (برگ ۱۵ و ۲۸) برمی آید، کتاب، در فاصله میان این دو سال نگارش یافته است. نسخه اصل این کتاب در کتابخانه ملی به شماره ۲۰۵۵ موجود است و آنچه در اینجا آمده، پنج فائده است که نویسنده ذیل کلمه «حدثنا» بیان داشته است.

مقدمه فی شرح سندها المشهور الذی علیه المدار بین الجمهور. «حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُّ»،
اعلم ان هاهنا فوايد يجب التنبيه عليها

الفائدة الاولى ينبغى ان يعلم ان العلماء اختلفوا فى أن المتكلم بلفظ حدثنا - الخ،
أهو الشيخ الجليل على بن السكون رضى الله عنه، ام الشيخ الفقيه الفاضل عميد الرؤساء
هبة الله بن حامد بن احمد بن ايوب طاب ثراه، بعد اتفاقهم على انه احدهما.
فقال الشيخ المحقق الامجد بهاء الملة والدين محمد - اعلى الله تعالى مقامه و زاد فى
الخلد اكرامه - على ما روى عنه انه على بن السكون. ايد هذا بقول الكفعمى فى حواشى
مصباحه فى مواضع كثيرة: فى نسخة ابن ادريس كذا و فى نسخة ابن السكون كذا، و بما
نقله الشهيد (ره)، من خط الشيخ على بن احمد السديدي فى آخر صحيفته، و هو انه نقلها
من خط على بن السكون و عارضها مع نسخة بخط ابن ادريس الحلبي كما سيأتى.

و قال الفاضل الكريم الفيلسوف العظيم السيد الداماد - رفع الله تعالى قدره و اضاء فى
سماء الرضوان بدره - انه الشيخ الكامل عميد الروساء. و ايد هذا بقوله: و هذه صورة خط
شيخنا المحقق الشهيد قدس الله تعالى لطيفه على نسخته التى عورضت بنسخة ابن
السكون: و عليها^(۱) - أى على النسخة التى عورضت بنسخة ابن السكون - خط عميد
الرؤساء (ره) قراءة قرأها على السيد الاجل النقيب الاوحد العالم جلال الدين عماد
الاسلام ابو جعفر القاسم بن الحسن بن محمد بن الحسن ابن مَعِيَه ادام الله تعالى علوه،
قراءة صحيحة مهذبة رويتها عن السيد بهاء الشرف ابى الحسن محمد بن الحسن بن احمد
عن رجاله المسّمين فى باطن هذه الورقة، و اَبْحَثُها روايتها عنى حسب ما وقفته عليه و

۱ - هذه عبارة الشهيد - منه.

حدّته له، وكتب هبة الله بن حامد بن أحمد بن أيوب بن علي بن أيوب في شهر ربيع الآخر من سنة ثلاث و ستمائة و الحمد لله الرحمن الرحيم و صلوته و تسليمه علي رسوله سيدنا محمد المصطفى و علي آله الغر اللهايم.

الي هنا حكاية خط الشهيد رحمه الله تعالى. فاما النسخة التي بخط علي بن السكون (ره) فطريق الاسناد فيها علي هذه الصورة: اخبرنا ابو علي الحسن بن محمد بن اسمعيل بن اشناس البزاز، قرأته عليه فأقرّ به، قال اخبرنا ابو المفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشيباني، الي آخر ما في الكتاب - انتهى كلامه زيد إكرامه.

و يمكن التوفيق بين القولين بأن يقال انهما راويان لها عن السيد الاجل، كما يظهر من كتب الاجازات.

و يحق ذلك ان علي بن السكون من رواة الصحيح بلا شك. و كونه راوياً عن ابي المفضل بواسطة ابن اشناس - كما ادعاه السيد الداماد - لم نره في كتب الاجازات و غيرها. علي ان الصحيحه التي برواية ابن اشناس، تخالف ما روى عن خط ابن السكون، اختلافاً فاحشاً. و ايضاً يظهر من نقل الشهيد ره صورة خط علي بن احمد السديد ان نسخة ابن السكون كانت بهذا السند الذي يروي عميد الرؤساء بعينه.

و ايضاً قال بعض افاضل عصرنا: رأيت نسخة قديمه منقولة عن خط ابن السكون، مصدره بقوله: حدثنا السيد الاجل انتهى. و ما كتب في الهامش مصدراً بقوله حدثنا الشيخ الاجل - الخ، فهي النسخة التي نقلها الفاضل السديدي من نسخة ابن ادريس لبيان الاختلاف في السند بينها و بين نسخة ابن السكون، و المتكلم بحدثنا هنا، هو ابن ادريس. و لا يينا في روايته عن ابي علي بن الشيخ بواسطة و واسطتين، روايته عنه بلا واسطة، لأن ابا علي كان معمرًا، أو لأن ابن ادريس سمع منه الصحيحه في صغره، كما ذكره بعض الفضلاء. و لا يخفى ان حال السيد المذكور، غير المذكور مدحاً و لا قدحاً. لكن رواية هولاء الاجلة عنه و اعتمادهم عليه تدلّ علي جلالة قدره.

الفائدة الثانية: الظاهر من لفظة حدثنا، السماع من لفظ السيد الاجل، سواء كان من حفظه ام من كتابه الذي هو اعلى طرق تحمل الحديث. و ذلك لأنّ انحاء تحمل الحديث سبعة: اولها: السماع من لفظ الشيخ و هو اعلاها. و ثانيها: القراءة علي الشيخ، و في حكمها

السمع حال قراءة الغير عليه. و ثالثها: الاجازة، سواء كانت اجازة معين لمعين، او معين لغير معين، او غير معين لمعين، او غير معين لغير معين.^(١) و رابعها: المناولة. و هي ان يناول الشيخ اصله اياه و يقول هذا سماعي، سواء اقتصر عليه او جعله مقرونا بالاجازة بقوله فاروه عنى و نحوه. خامسها: المكاتبه. و هي ان يكتب مسموعه لغائب بخطه مقتصر على، او مع الاجازة بالرواية عنه. و سادسها: الاعلام. و هو ان يعلم الشيخ الطالب مرويه مقتصر على. و سابعها: الوجادة. و هي ان يجد انسان احاديث من مرويات شيخه بخطه من غير اتصال على نحو من الانحاء السابقه.

ولا خلاف فى جواز اطلاق «حدثنا» فى الاول. و اما فى الثانى، فخلافاً. و الاصحّ العدم، الأ مع التقييد بقوله قرأته عليه و هو يسمع. و مَنع السيد منه مطلقاً - استناداً الى لزوم الكذب - غريب منه، فانه سد لباب المجاز، كما لا يخفى. و اما فى الثالث: فلا خلاف عندنا فى عدم جواز استعمال «حدثنا» و نحوه على الاطلاق. و اما مع التقييد بالاجازة فخلافاً و الصحيح جوازه. و فى اجازة المعدوم اشكال، الأ مع عطفه على الموجود. و اما غير المميز من الاطفال، فالمشهور الجواز. و اما اجازة المجاز، ففيه وجهان للاصحاب، و الاصح الجواز. لكن الاولى فى هذا القسم ان يقرأ من اوله حديثاً و من وسطه حديثاً و من آخره حديثاً، كما هو مفاد صحيحه ابن سنان.

و اما فى الرابع و الخامس، فكما فى الثالث. و فى جواز الرواية بالقسم الاول^(٢) منهما^(٣) قولان، و المروى الجواز. و فى جوازها بالسادس قولان، و كذا فى السابع. و المجوز فيه^(٤) انما هو ان يقول وجدت بخط فلان او قرأت بخطه. و اما التلفظ بحدثنا و نحوه، فلا يجوز فيهما^(٥) جميعاً.

اذا عرفت ذلك التفصيل، علمت ان الظاهر من حدثنا على الاطلاق، هو الاول. و

١ - اجازة المعين للمعين، كاجازة الكافى مثلاً لشخص معين. و المعين لغيره، كاجازته لكل احد. و غير المعين للمعين كاجازة مسموعاته له. و غير المعين لغير المعين كاجازة مسموعاته لكل احد. و حكى بعض افاضل عصرنا انه اجاز بعض اصحابنا كذلك - منه .

٢ - و هو أن يقتصر عليهما من غير مقارنة الإجازة - منه. ٣ - أى: الرابع و الخامس.

٤ - أى: السابع - منه. ٥ - أى: السادس و السابع - منه.

يحتمل الثاني احتمالاً مرجوحاً. فظهر سرّ تصديرونا الكلام بالظاهر. ولا يخفى عليك جواز العمل بالجميع لمن يعمل بالخبر (بخبر - ظ) الواحد، وترتب الكل علواً ودنواً كما رتبناها. و شيخنا البهائي طاب ثراه جعلها في الزبدة سبعة، لكن بجعل ما جعلناه في حكم الثاني قسماً براسه، وحذف السادس. وفي الاربعين ستة بحذف الأخيرين. ولعل مقصوده تعداد الانحاء في هذا الزمان.

الفائدة الثالثة: الحديث لغة يرادف الكلام. سمى به لانه يحدث شيئاً فشيئاً. وفي الاصطلاح كلام يحكى قول المعصوم او فعله او تقريره. وانتقض عكسه بالحديث المنقول بالمعنى ان اريد حكاية القول بلفظه، وطرده بكثير من عبارات الفقهاء في كتب الفروع ان اريد ما يعمّ معناه. واجاب عنه شيخنا البهائي في زبدة الاصول و مشرق الشمسين باعتبار قيد الحيثية في الحكاية.

فتلك العبارات ان اعتبرت من حيث انها حكاية قول المعصوم، فلا بأس بدخولها. وإن اعتبرت من حيث أنها حكاية عما ادى اليه اجتهادهم، فلا بأس في خروجها. وقد ينتقض عكسه ايضاً بالمسموع عن المعصوم، غير محكى عن مثله. و التزام خروجه يقتضى عدم سماع احد منه حديثاً اصلاً، الا ما حكاه عن مثله، فالاولى ان يعرف بانه قول المعصوم او حكاية قوله او فعله او تقريره.

والحديث القدسي حكاية كلامه سبحانه من غير اعجاز في لفظه. و ما لا ينتهي الى المعصوم، ليس حديثاً عندنا. و اما عند المخالفين، فهو كل ما ينتهي الى النبي صلى الله عليه وآله وسلم او الصحابي او التابعين و من يحذو حذوهم. و شيخنا البهائي فسّره في الاربعين بما هو مذهب المخالفين، لكنه في الزبدة معترف بما ذكرناه من انه ليس من مذهبنا، فهو منه عجيب.

الفائدة الرابعة: اعلم ان الصحيفة الشريفة متواترة النقل عن الامام عليه السلام متفق عليه بين الموافق و المخالف، حتى انه استفاض بينهم بانجيل اهل البيت على ما ذكره محمد بن شهر آشوب في معالم العلماء في ترجمة يحيى بن على البرقي و بزبور آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم على ما ذكره ايضاً في ترجمة متوكل بن عمير. و اما ذكر الاسناد، لبيان طريق تحمّل الرواية و اجازة النقل، و للتيمّن والتبرك بانّصال الرواية بالمعصوم. فلا يضر الجهل باحوال

بعض رجال السند، مثل بهاء الشرف و الشيخ الخازن و الخطاب و البلخي، على ان الطرق من علمائنا اليها كثيرة، مذكورة في كتب الاجازات. بل لكل من العلماء اليها طريق عن مشخيتهم. و نقل الادعية منها الشيخ و غيره من اكابر القوم، فلا يضر الجهالة في بعض الاسانيد. و ايضا الخبر المستفيض الوارد في المستحبات كغرابة الاساليب و فصاحة العبارات يُجبر الجهالة. و ايضاً اذا جاز الدعاء بغير المأثور، فكيف بالمأثور المجهول السند؟! و لذلك ترى الاصحاب يتساهلون في اسانيد المستحبات.

و اما ما ذكره بعض الشراح من ان هولاء مشايخ اجازة لا مشايخ رواية، فلا ضير في جهل احوالهم. فاقول: فيه نظر لاستعمال حدثنا بالنسبة اليهم على الاطلاق. و هو لا يصح مع الاجازة كما عرفت.

و ممّا يدل على تواتر انتسابها اليه عليه السلام كانتساب ساير الكتب المشهورة الى مصنفها، ما ذكره ابن شهر آشوب في معالم العلماء، حيث قال: قال الغزالي: الصحيح ان اول من صنّف في الاسلام، امير المؤمنين عليه السلام جمع كتاب الله، ثم سلمان الفارسي، ثم ابوذر الغفاري، ثم اصبح بن نباته، ثم عبدالله بن ابي رافع، ثم الصحيفة الكاملة عن زين العابدين عليه السلام.

الفائدة الخامسة: اعلم انه قد اختلفت عبارات ادعية الصحيفة الكاملة بحسب اختلاف اسانيدها. فان ما نقله الشيخ في المصباح و كذا غيره، يخالف ما في النسخ المشهورة، كاختلاف النسخ القديمة معها في العبارة و عدد الأدعية. و لعل الشيخ نقلها من رواية المطهرى، لمخالفتها لرواية ابي عبدالله الحسنى، كما يشعر بها عبارة آخر السند، على ما سيأتى.

و اما النسخة التي نحن بصدد شرحها، فهي التي تطابق نسخة الفاضل العلامة مولانا محمد باقر - ادام الله بركاته - التي هي بخط والده التقى. و هو نقلها من نسخته شيخه البهائى، التي هي بخط جدّ ابيه الشيخ شمس الدين محمد، صاحب الكرامات و المقامات. و هو نقلها من خط الشهيد ره. و هو نقلها من خط الشيخ على بن احمد بن السديد، المعروف بالسديدي. و هو نقلها من خط على بن السكون، و عارضها مع نسخة بخط محمد بن ادريس الحلّي

فما في اصل نسختنا، فهو موافق لنسخة ابن السكون. و ما هو بعلامة س، فهو من

نسخه ابن ادريس ره. و ما كان في الاصل معا، فكانا معا في نسخة ابن السكون. و ما كان في س معا، فكانا معا في نسخة ابن ادريس. و ما كان معلماً بعلامة خ، فهو ما كتبه ابن ادريس او ابن السكون في الهامش.

نکته ۳: وقف‌نامه «شرح دعای صباح و مساء» صحیفه

توضیح: آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵) فرزند آقا حسین خوانساری، همانند پدر، عالمی جامع بود که سالها ریاست حوزه علمی اصفهان را برعهده داشت. شرح مفصل غررالحکم آمدی و ترجمه مفتاح الفلاح شیخ بهایی، از جمله آثار اوست. (دائرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۳۱۵-۳۱۶).

نسخه شماره ۲۱۳ سنا (معرفی شده در فهرست کتابخانه سنا، ج ۱، صص ۹۹-۱۰۰) با عنوان «شرح الصحیفة السجادیة» اثر عبدالله بن سید علی بن خلیفه سلطان حسینی اصفهانی در شرح دعای صباح و مساء (دعای ششم صحیفه) است که برای شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده است.

در ابتدای نسخه، وقف نامه این کتاب به خط و مهر آقا جمال خوانساری در دو ورقه به چشم می‌خورد که در ذیل آورده می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي نزل الكتاب المبين، و جعله رحمة للعالمين و الصلوة على خير الوري محمد سيد المرسلين، و آله المعصومين الذين قد تقرّر أنّ الإقرار بكلّ واحد منهم جزء من أجزاء رسالة الدين.

اما بعد بر شیرازه‌بندان کتاب شناسایی و رقم نگاران مجموعه جامعہ معرفت و دانایی پوشیده نیست که اعانت بر کسب علوم دینیہ و تحصیل اسباب دانش‌اندوزی به جهت ارباب فضل و کمال، معین بر استدامت دولت و اقبال، و موجب ازدیاد رفعت پایة جاه و جلال است. لهذا اعلى حضرت نواب کامیاب سلطنت مآب سلیمان القاب سکندر آداب، شیرازة کتاب مستطاب سلطانی، فهرست صحیفه کامله جهانبانی، خورشید افق

ظَلَّ اللّٰهِي، دَرِّي سِبْهَر سَلْطَنَت و پادشاهی، گلدسته گلستان مصطفوی، نوباوه بوستان مرتضوی، آب و رنگ گلشن ایجاد، نوبهار چمن عدل و داد، زینبده لباس دارایی، زینت بخش افسر سروری و فرمانروایی، رونق افزای گلشن بی‌گرد و غبار دین و دولت، چمن آرای گلزار همیشه بهار ملک و ملت، زبده سلاطین زمان، نقاوه دودمان ولایت نشان، السلطان بن السلطان بن السلطان، و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، شاه سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان - لازال کتاب إقباله متداولاً بین ال...^(۱) و صحایف ملکه و جلاله مرقومه علی صفحات الیالی و الأیام - درین اوقات خجسته ساعات، این شرح شریف را تقریباً إلى الله العظیم و طلباً لمّنه القدیم^(۲) وقف مخلّد و حبس مؤبّد فرمودند بر کافه شیعیان و عامه اهل ایمان که به مطالعه آن یا استکتاب از آن منتفع گردند. و تولیت آن را تفویض فرمودند به ذات اقدس و نفس انفس خود، انعم الله تعالی علی المؤمنین بدوام دولته القاهرة و اتم نعمته بخلود سلطنة الأبدیة الباهرة. و بعد از آن به هر که از سلسله علویه صفویه - ادام الله تعالی برکاتهم علی البریة - که سریر آرای کشور سلطانی و زینت افزای افسر سروری بوده باشد.

مقرّر آنکه کتابدار سرکار خاصه شریفه، آن را با سایر کتب مختلفه که وقف نموده اند، در مکانی معین ضبط نموده، سررشته جدا بر آن نگاه دارد و داخل سایر کتب کتابخانه مبارکه نکند. و هرگاه اعلی حضرت متولی را به آن رجوعی و حاجتی نبوده باشد و شخصی آن را خواهد، بعد از تجویز یکی از علماء اعلام و فقهاء کرام و عرض به خدمت اشرف اقدس اعلی و صدور اذن و رخصت والا قبص معتبر گرفته تسلیم او نماید، مشروط به آنکه معطل نگذارد و زیاده بر شش ماه بدون اذن جدید نگاه ندارد. و اگر آن شخص خواهد که به بلد دیگر نقل و تحویل نماید، بدون اذن مجدد از جانب اعلی حضرت متولی نقل نماید. و بعد از رفع حاجت به نیابت اعلی حضرت متولی سپارد، و قفاً صحیحاً شرعياً مقروناً بجریان الصیغه الشرعیة علی الشروط المذكورة المرعیة، لا یباع ولا یوهب ولا یؤجر ولا یرهن، فمن بدّله بعد ما سمعه فإثمًا إثمه علی الذین یتدلونه.

۲ - العمیم (خ ل).

۱ - یک کلمه ناخواناست. شاید «الانام» باشد.

و کتب الداعی لدوام الدولة الأبدية القاهرة، ابن حسین جمال الدین محمد
الخوانساری فی شهر شوال المکرم من شهور سنة ۱۱۱۲.
[نقش مهر:] یا من له العزة و الجمال

نکته ۴ : اجازة روایتی مولی محمد طاهر بن مقصود علی، به میر کبیر
توضیح: مولی محمد طاهر بن مقصود علی، از تلامذة علامه مجلسی بود که میر ابوالقاسم
کبیر، شریک او در درس به شمار می آمد. وی به میر ابوالقاسم کبیر، در سال ۱۱۲۹ در کربلا،
اجازة روایت صحیفه کامله سجادیه را داده که به خط خودش در پایان نسخه میرکبیر، (چاپ
عکسی، ص ۲۸۶ - ۲۸۷) آمده است.
این اجازة روایتی، به عنوان توضیحی بر اجازات علامه مجلسی در مورد صحیفه سجادیه
نیز به شمار می آید.

بسم الله الرحمن الرحيم.

يقول المذنب الخاسر القاصر عن نبيل المآثر، ابن الحاج مقصود علی محمد طاهر، أن
جناب السيد الايد الصالح الفالح الفاضل العامل الكامل العالم الموفق المؤيد المسدد، ابن
السيد حسين الموسوي ابا القاسم - كثر الله تعالى امثاله و ادام عليه فضاله - لما أن علم
أتى داخل في عموم من أجاز له مولاه و شيخه و مقتداه طاب ثراه بقوله الشريف المسطور
في هذه الوريقات: ^(۱) « فليرو عني الصحيفة السجادية كل من سمعها مني او قرأها علي
او استجازني فيها بهذه الأسانيد و غيرها من الأسانيد التي أوردتها في مؤلفاتي » - الى آخر
ما أفاد رحمه الله تعالى.

فقد سمعتها منه مرّات كثيرة، بل قد خصني رحمه الله تعالى بإجازة عالية كتبها لي
بخطه الشريف في صحيفتي، و قد أكثر فيها من الألفاظ التي

۱ - این جمله، به اجازة عامّة علامه مجلسی در تاریخ اول ماه رمضان ۱۰۸۲ اشاره دارد که متن کامل آن در
پایان نسخه میر ابوالقاسم کبیر آمده است.

تعطّف فيها عليّ: «أجزت لمحمد طاهر أعنى ولدى العقلانى و ريبى الروحانى و خليلى الايمانى.» استجاز منى دامت بركاته، فأجزت له أن يرويه عنى و يروى جميع ما جاز لى روايته و احاديثه من كتب الاحاديث - خصوصاً الاربعة و الفقه و الاصولين و سائر مؤلفات العلماء فى انواع العلوم - عن شيخى و مولاي و والدى و استادى و من به - بعد الله تعالى و الرسول و الائمة الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين - استنادى؛ أعنى العلامة الفهامة، المحقق المدقق النحرير، البحر الزاخر، مولانا محمد باقر، الذى رشحات أقلامه الفياضة حيوة قلوب المؤمنين^(١) و التحف السنّية للزائرين و الجلاء لعيون البكائين على مصائب ائمة الدين و مقباس مسالك العبادة للمتهدّجين و الزاد لمعاد المتعبّدين، فبذلك أوصل العالمين الى عين الحيوة و حقّ اليقين، و استفاض من انواره جمع العالمين حتى العالمين العاملين، فاستحقّ بذلك من ربّه ربّ العالمين أن يجعله غوّاص بحار انواره فى العالمين، و يحشره مع نبيّه و آله المصطفىين، الى آخر السند المزبور فى ما كتبه رحمة الله عليه للطالبيين. و حرّر ذلك فى ثامن عشر شهر محرم الحرام من سنة تسع و عشرين و مائة بعد ألف فى مشهد سيد الشهداء ابى عبدالله الحسين، صلوات الله و سلامه عليه و على آبائه و ابنائه اجمعين.

نکته ٥: دو طريق روايتى براى صحيفه سجاديه

توضيح: مير ابوالقاسم كبير خوانسارى (١٠٩٠-١١٥٨) عالم، فقيه و محدّث زمان خود بود که پس از کسب فيض در محضر علامه مجلسى و ديگر بزرگان، آثارى همچون «مناهج المعارف» در اصول دين نگاشت، که در سال ١٣٩١ قمرى به اهتمام حفيد دانشمندش آية الله سيد احمد روضاتى منتشر شد. وى، صحيفه سجاديه را به خطّ خود نگاشت و نکاتى در حواشى آن با امضای «ق س م» ثبت کرد.

در اين نکته، پيرامون روايت ابن اشناس و روايت ابن شاذان سخن مى‌گويد.

١- در اين سطر و سطور بعدى، نام برخى از آثار علامه مجلسى تضمين شده است.

«شنا» رمز لصحيفة ابن اشناس. و طريقه على ما وجدته في مجلد السماء و العالم من بحار الانوار، هكذا:

الحسن بن محمد بن اسماعيل بن اشناس البزاز، عن محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الشيباني، عن جعفر بن محمد بن جعفر العلوي، عن عبدالله بن عمر بن خطاب الزيات، عن خاله علي بن النعمان الاعلم، عن عمير بن المتوكل الثقفي البلخي، عن ابيه المتوكل بن هارون، عن ابي عبدالله الصادق عن ابيه الباقر عن جده علي بن الحسين عليه السلام.

«شا» رمز لصحيفة ابن شاذان. و طريقه - على ما ذكرناه آنفاً - هكذا: محمد بن احمد بن علي بن الحسن بن شاذان، عن احمد بن محمد بن عياش الجوهري، عن الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن المعروف بابن ابي طالب العلوي، عن محمد بن مطهر الكاتب، عن ابيه عن محمد بن شلقان المصري، عن علي بن النعمان، الي آخر السند المتقدم. ق س م عفى عنه.

نکته ۶: مقدمه محدث نوری بر صحیفهٔ ثلثهٔ سجادیه

توضیح: صحیفهٔ ثلثهٔ سجادیه، یکی از آثار میرزا عبدالله اصفهانی صاحب کتاب «ریاض العلماء» - از دانشوران قرن دوازدهم - است، که بخشی از دعاهاى امام سجاده عليه السلام را - که در صحیفهٔ کامله نیامده - گرد آورده است. محدث نوری، به ترویج این کتاب، اهتمام ورزید و علاوه بر تصحیح و مقابله آن، مقدمه‌ای کوتاه در معرفی کتاب و مؤلف نگاشت که در دو نسخهٔ خطی از کتاب، آمده است. (نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، شماره ۱۹۶۰؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۸۱۹ مجموعه طباطبایی). در اینجا، آن گفتار کوتاه نقل می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلوة على خير خلقه محمد و آله اجمعين. اعلم يا اخي رزقك الله تعالى سعادة الدارين انّ مصنّف هذا الكتاب الشريف، افضل العلماء في القرون و الأدوار، و مفخر الفضلاء في الأمصار و الأقطار، الأميرزا عبدالله بن عيسى بيك بن محمد صالح بيك بن لحاح شاه ولي بيك بن لحاق پير محمد بيك بن فقر شاه

الجيراني الاصل ثم الاصفهاني الشهير بالأفندي.

قال شارح النخبة السيد عبدالله سبط المحدّث الجزائري في اجازته الكبيرة في ترجمته: كان فاضلاً علامة متبحراً كثير الحفظ و التتبع، مستحضراً لأحكام المسائل العقلية و النقلية، يروى عن العلامة المجلسي. رأيته لما قدم الينا و أنا صغير السنّ، و رأيت والدي السيد نورالدين و علماء بلادنا يسألونه و يستفيدون منه. ساه في اقطار الدنيا كثيرا و حجّ بيت الله، فحصلت بينه و بين شريف مكة منافرة، فسار الى قسطنطينية و تقرب الى السلطان، الى ان عزل الشريف و نصب غيره، و من يومئذ اشتهر بالأفندي.

و كانت لنا كتب عتيقة و كراريس متشتتة من كتب شتى، ذهبت اوائلها و اواخرها، لا نعرف اسمائها و اسماء مصنفيها، فعرضها عليه والدي، فعرفنا اسمائها و اسماء مصنفيها و مقدار الساقط من أوّل كلّ منها و آخرها. اخرج اشتباهات صاحب امل الأمل اشياء قيدها بخطه على هامش نسختنا الموجودة الآن. و كان شديد الحرص على المطالعة و الإفادة، لا يقف ساعة و لا يميل.

و كنت آتي اليه بالكتب، فكان يقربني اليه و يدعوني بالخير.

و رأيت من مؤلفاته الصحيفة الثالثة، هي ادعية سيد الساجدين عليه السلام الخارجة من الصحيفة المشهورة و اختها - و هي الثانية التي جمعها شيخ محمد الحرّ - توفّي في عشر الثلاثين اى بعد المائة و الألف - انتهى.

و له من المصنفات كتاب رياض العلماء و حياض الفضلاء في عشر مجلدات، رأيت خمسة منها بخطه و لم تخرج الى البياض.

تلمذ على المجلسي و الخوانساري و السبزواري و الشيرواني. و يعبر في هذا الكتاب عن الاول بالاستاد الاستناد، و عن الثاني بالاستاد المحقق، و عن الثالث بالاستاد الفاضل و عن الرابع باستادنا العلامة.

قال في ترجمة نفسه: و اتفق لي اسفار كثيرة، حيث مضى نصف عمري في السفر، و جُلْتُ اكثر البلاد من ديار العجم و الروم و البحر و البر و آذربايجان و خراسان و عراق و فارس و قسطنطينية و ديار الشام و مصر، حتّى أنّه اتفق و رودى على اكثر البلاد مرّات عديدة. و رزقنا الله الى يومنا هذا - و هو عام ستة و مائة و الف من الهجرة، و قد مضى من

عمري نحواً من اربعين سنة - ثلاث حجّات و زيارة مشهد الرضا عليه السلام ثلاث مرات.

- الى ان ذكر من مؤلفاته: -

رسالة في وجوب صلوة الجمعة في رد الفاضل القزويني.

و شرح فارسي على الشافية

و شرح اكبر على الفية ابن مالك

و شرح آخر اوسط

قال : وضاعت مع سائر كتبه و مؤلفاته و امواله في منصرفه من الحجّة الأولى.

و حواش على مختصر الاصول

و حواش على تهذيب الحديث

و حواش على مختلف العلامة.

و حواش على الفقيه

و تعليقات على آيات الاحكام للفاضل الجواد

و تعليقات على الحاشية القديمة الجلالية

و تفسير سورة الواقعة (فارسية)

و بساين الخطباء، ثلاث مجلدات، اورد فيه من انشاءاته قريبا من الف خطب

للجمعات والاعباد و غيرها.

و روضة الشهداء مشتمل على ثلاث لغات: العربي و الفارسي و التركي.

و حاشية على الوافي

و حاشية على الهيات الشفاء

و حاشية على شرح الاشارات

و حاشية على المقدمة الاصولية للمولى محمد طاهر القمي.

و حاشية على الصحيفة

و شرح على اختلاف وقوع شكل العروس من تحرير اقليدس.

و شرح على مصادرات المقالة الخامسة منه.

و رسالة فارسية في رسم خطوط الساعات على سطوح دوائر اول السموّ (السموات)

وكتاب ثمار المجالس و نثار العرائس على محاذات كشكول البهائي، رتبته على اثني عشر بابا.

وكتاب وثيقة النجاة من ورطة الهلكات، و هو مجلّدات ضخام، مشتمل على خمسة اقسام: الاولى فى الالهيات، مصدر بمقدمة فى المنطق باحث فيه مع جميع اهل الملل، و ادرج فيه من كتبهم كالتورية و الانجيل و غيرهما. الثانى فى النبويات. الثالث فى الاماميات. باحث فيه مع جميع ارباب المذاهب الثلاثة و السبعين. الرابع فى المعاديات. الخامس فى الفقيهاة. مصدر بمقدمة فى الاصول كالمعالم.

وكتاب لسان الواعظين و جنان المتعظين، مجلّدات اورد فيه اعمال السنة و العبادات و الادعية و ما يناسبها من سوانح اكثر الايام المشهورة فى السنة.

وكتاب الامان من النيران فى تفسير القرآن، مشتمل على اكثر الاخبار المروية عن ارباب العصمة عليهم السلام.

و قد كتب على اكثر الكتب المتداولة و غيرها من انحاء العلوم تعليقات. ولكن قد تلف و ذهبت من يده. انتهى.

و فى الاجازة المتقدمة فى ترجمة السيد الجليل السيد نصر الله الحائرى ما لفظه:
و رأيت عنده من الكتب الغربية ما لم اره عند غيره. تمام مجلّدات بحارا الانوار، ثم ذكر المتداولة منها الى ان قال:

و اما بقية الكتب مثل كتاب الدعاء و القرآن و كتاب الزى و كتاب التجمل و كتاب العشرة و كتاب الاجازات و تنمة الفروع، فيقال انها بقيت فى المسودة و لم تخرج الى البياض. فسألته عن مأخذه، فقال: ان الميرزا عبدالله بن عيسى الافندى كان له اختصاص ببعض ورثة المولى المجلسى، و هو الذى قد صارت هذه الاجزاء له فى سهمه عند تقسيم الكتب بينهم. فاستعارها منه و نقلها الى البياض بنفسه، لأنها و ان كانت مغشوشة جداً، لا يقدر كل كاتب على نقلها صحيحا. و كان يستتر بها مدة حياته و من ثم لم تنسخ و لم تشهر. و لما قسمت كتب الميرزا عبدالله بين ورثته و حصل لى اختصاص بالذى وقعت هذه الكتب فى سهمه، ساومته اولا بالبيع. فلما لم يرض استعرتها منه و استكتبتها، و كنت يومئذ لا املك درهما، فسخر الله رجلاً من ذوى المروآت، بذل المؤونة حتى تمت -

انتهی.

حرره المذنب المسیء حسین بن محمد تقی النوری الطبرسی فی محرم سنة ۱۲۸۹.

نکته ۷: تواتر صحیفه سجادیه

توضیح: مرحوم آیه الله سید محمود امام جمعه زنجان (۱۳۰۹ - ۱۳۷۴ قمری) از دانشمندان بزرگ امامیه در قرن چهاردهم بود که نزد برخی از فقهای بزرگ همچون میرزای نایینی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی درس آموخت و اجازه اجتهاد گرفت. تکریم آیت الله بروجردی نسبت به ایشان، نشان از مدارج والای وی دارد. البته علاوه بر مدارج فقهی، در مباحث اخلاقی و عرفانی مبتنی بر عمل به شرع، زبان زد بود. کتاب «ذخر البشر فی شرح باب حادی عشر»، از آثار اوست. ایشان، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را به خط خود نگاشته است که اصل آن را فرزند دانشمندش مرحوم دکتر سید ابوالفضائل مجتهدی به کتابخانه آستان قدس رضوی وقف کرده‌اند و نسخه عکسی از آن به کتابخانه مجلس شورای اسلامی اهدا کرده‌اند.

این نکته، در موضوع تواتر صحیفه سجادیه است، که در ابتدای نسخه یاد شده آمده است.

الصحيفة المطهرة القدسية - و تعرف بزبور آل محمد و انجيل اهل البيت سلام الله عليهم - متواترة قطعية الصدور. و ناهيك اشتمالها على لباب الالهيات بالفاظ في غاية الفصاحة، يمتنع صدورها عن غير اهل العصمة. و ذلك بحمد الله تعالى عدّ من الأوّليات عند من له المام بالاسلام و قدم راسخ في العلوم، حتّى انها اوضح صدوراً من نهج البلاغه، اذ ربّما يتعيّن فيه شاذّ في غاية الندرة ممن ختم الله على قلبه و جعل على بصره غشاوة، اما لفقدان الاستعداد العلمي و جبلة التحصيل و ملكة النقد أو لغريزة النصب و الشقاوة الذاتية. و قد اوضح جملة من علماء العامة صحّة انتساب نهج البلاغه و اثبت بالمدارك الحيّة وجود الخطب في مصنّفات ثلّة من علماء الفريقين الذين ماتوا قبل مولد السيد رضی الدين بمائة سنة، و بالغ في ذلك العلامة ابن ابی الحديد المعتزلي في شرحه المعروف في غير موضع من كتابه بيانات مختلفة، فراجع.

و بالجمله لم يذكر خلافًا ما من احد في صحّة انتساب هذا الصحيفة. و لم ينقل ترديد فيه الى يومنا هذا. فالغرض من ذكر الأسانيد، بعد التبرك باسماء شيوخ العلم و اساطين المعرفة و حملة الدين سلام الله عليهم، هو حفظ حريم فنّ الحديث.

فقول: المتكلم بلفظ حدّثنا، هو على بن السكون كما عن محكّي شيخنا البهائي - رفع الله قدره -، و هو من علمائنا الامامية الثقات المهرة. و وقع في حواشي مصباح الكفعمي: في نسخة ابن ادريس كذا، و في نسخة ابن السكون كذا.

و عن السيد المحقق البارع الداماد - أعلى الله ذكره - أنّ اللفظ لعميد الرؤساء.

نکته ۸: درباره قائل «حدّثنا»

توضیح: شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹) صاحب کتابهای گرانقدر «الذریعه الى تصانیف الشیعه» و «طبقات اعلام الشیعه»، مشهورتر از آن است که به معرفی نیاز داشته باشد. ایشان در حاشیه نسخه‌ای از صحیفه سجادیه، نکته‌ای نگاشته، که آن نسخه بعداً به یکی از دانشوران اخیر مشهد مقدس رسید. مشاراً الیه، آن توضیح کوتاه را در بیستمین مجلد از جُنک خطی خود منتقل کرد. اینک آن نکته، از سایت WWW.maarefislam.net نقل می‌شود.

رأيت بخط العلامة النحرير فريد عصرنا الشيخ آقابزرگ الطهراني في ظهر الصحيفة السجادية ما هذا لفظه:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لوليّه والصلوة على نبيّه و وصيّه. و بعد فاعلم أنّه روى الصحيفة عن بهاء الشرف المصدّر بها اسمهُ الشريف جماعةً، منهم من ذكرهم الشيخ نجم الدين جعفر بن نجيب الدّين محمّدين جعفر بن هبة الله بن نما الجليّ في إجازته المسطورة في إجازة صاحب المعالم و تاريخ بعض إجازاته سنة ۶۳۷ في إجازات البحار ص ۱۰۸:

۱ - جعفر بن عليّ المشهدی

۲ - أبوالبقاء هبة الله بن نما

۳- الشيخ المقرئ جعفر بن أبي الفضل بن شعره

۴- الشريف بن أبي القاسم الزكي العلوي

۵- الشريف أبو الفتح بن الجعفرية

۶- الشيخ سالم بن قباويه

۷- الشيخ عربي بن مسافر

وكلهم أجلاء مشاهير؛ و أبو الفتح المعروف بابن الجعفرية هو السيد الشريف ضياء الدين أبو الفتح محمد بن محمد العلوي الحسيني الحائري، و قد قرأ عليه السيد عز الدين أبو الحرث محمد بن الحسن بن علي العلوي الحسيني البغدادي كتاب معدن الجواهر الكراچكي في الحلة السيفية في ج ۱ [جمادى الاولى] سنة ۵۷۳. و ذكرت هذا التاريخ ليُعلم عصر غيره ممن شاركه في رواية الصحيفة عن بهاء الشرف تقريباً. و إجازة صاحب المعالم مدرجة في المجلد الأخير من البحار. و أدرج هو في إجازته إجازات ثلاث و جدها بخط الشهيد الأول إحداهما إجازة نجم الدين جعفر بن نما، كما ذكره في أوائل صفحة المائة من هذا المجلد، ثم أدرجها متفرقة في إجازته منها الفقرة التي نقلناها، فقد ذكرها في وسط ص ۱۰۸ من مجلد الإجازات. حرره مالك النسخة إرثاً الجاني محمد محسن المدعو بأقا بزرگ الطهراني في ۵ رجب سنة ۱۳۴۵، انتهى. حرره مالك هذه الصحيفة إرثاً السيد محمد حسين الحسيني الطهراني في ۱۹ رجب سنة ۱۳۷۵.

نکته ۹: سه فائده درباره صحیفه، ریاض العابدین، بدیع الزمان قهپایی

توضیح: استاد علامه مرحوم سیدجلال الدین همایی، نسخه‌ای خطی از کتاب «ریاض العابدین فی شرح صحیفه سیدالساجدین (علیه السلام)» نگاشته مولی بدیع الزمان قهپایی در اختیار داشته که در حواشی آن نکاتی نوشته است.^(۱) از آنجا که نسخه تحقیق و تصحیح شده این

۱- این نسخه، حواشی مفصل و ارزشمندی دارد که در نسخه چاپ شده (به اهتمام حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ ش) نیامده است.

کتاب، فاقد مقدمه‌ای در معرفی کتاب و نگارنده آن است،^(۱) این نکات می‌تواند در نگارش چنان مقدمه‌ای مفید افتد. متن این سه نکته کوتاه در پی می‌آید.

فائده اول

بسم‌اله الرحمن الرحيم. اقول: و فی النسخ المنطبعة من الصحيفة الكاملة المنسوبة الى مولانا سيّد الساجدين زين العابدين عليه السلام، و كذا في بعض النسخ الخطية منها دعوات ملحقه بآخر الكتاب، لم تكن موجودة في النسخة التي ترجمها و شرحها الفاضل المترجم بديع الزمان القهبائي شكر الله سعيه. اولها تسبيح عليه السلام: «سبحانك اللهم وحنانك... الى آخره»، و آخرها دعاء يوم السبت: «بسم الله كلمة المعتصمين... الخ». و في هذه النسخ عقيب فهرست الدعوات المذكور في المقدمة، عبارة مناسبة للملحقات، و هي هذه:

«و باقى الأبواب بلفظ ابى عبدالله الحسنى رحمه الله، حدثنا ابو عبدالله جعفر بن محمد الحسنى، قال: حدثنا عبدالله بن عمر بن خطاب الزيات، قال: حدثنى خالى على بن النعمان الاعلم، قال: حدثنى عمير بن متوكل الثقفى البلخى، عن ابيه متوكل بن هارون، قال: املى علىّ سيّدى الصادق ابو عبدالله جعفر بن محمد، قال: املى جدّى على بن الحسين على ابنه محمد بن على - عليهم اجمعين السلام - بمشهد منى.»

كتب بيمنه الدائرة، العبد الفقير الى الله تعالى شأنه جلال الدين الهمايى - اعطاه الله كتابه بيمنه فى ليلة الجمعة - الثانية و العشرين من شهر محرم الحرام سنة ١٣٦٢ من السنين الهجرية القمرية، الموافقة لتاسع بهمن ماه سنة ١٣٢١ الشمسية الهجرية. اللهم وفقنا لما تحبّ و ترضاه.

فائده دوم:

کتاب رياض العابدين، ترجمه صحيفه مولانا زين العابدين عليه السلام تأليف بديع الزمان القهبائي (منسوب به گهپايه) در زمان شاه صفى صفوى عليه الرحمة، خط محمد نصير بن

١ - چنان که در مقاله «سه رياض در شرح صحيفه سجديه» بدان اشاره شده است (سفينه، شماره ٦، ص ١١٨).

محمد تقی جابری انصاری، تاریخ کتابت: سنه ۱۰۷۴، محل کتابت: اصفهان. قد دخل فی
ملکی، ولله ملک السماوات والأرضین. اول خرداد ماه ۱۳۱۵ شمسی مطابق ع ۱
[ربیع الاول] ۱۳۵۵ قمری. (جلال - همائی).

فائده سوم:

بدیع الزمان قهپائی هرنندی اصفهانی، از مردم قریه هرنند، از دیه‌های کوهپایه
اصفهان، جدّ اعلاّی ملا مهدی هرنندی است. و میرزا عبدالعلی نحوی اصفهانی و میرزا
عبدالجواد مدرّس اصفهانی از اعقاب او بوده‌اند. وفاتش در یزد به سال ۱۰۴۹ واقع شده
و با منصب شیخ الاسلامی بدان شهر رفته بوده است. (جلال الدین همائی)

نکته ۱۰: تواتر صحیفه سجادیه

توضیح: مرحوم آیه الله سید احمد روضاتی از دانشمندان بزرگ و کتابشناسان ارزشمند
معاصر بود که با تحقیقات و نکات خود، پژوهشیان را یاری می‌رساند. یکی از خدمات مهم
ایشان، انتشار نسخه عکسی صحیفه سجادیه به خط نیای دانشمندش میرابوالقاسم کبیر بود،
که در تیراژ محدود به چاپ رساند. ایشان در مقدمه این چاپ، نکاتی مفید درباره صحیفه
بیان می‌دارد.

صدر ادعیه الصحیفه الکامله السجادیه المعروفة - و هی التی بین یدیک - من انشاء
الامام السجاد زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام، مما لا شک فیہ ولا شبهة تعتریه، لکونها
مشمّلة علی حقائق المعرفة والحکمة. و فیها عبقة من کلام النبوة وقبس من نور مشکاة
الامامة. فهی کالصحف الالهیه السماویة. و لذا عبّروا عنه تارة بزبور آل محمد و اخری
بانجیل اهل البیت و ثالثة بأخت القرآن، تجاه نهج البلاغة الذی هو اخ القرآن، لأنّ القرآن
هو کتاب نازل، و هذه الصحیفه والادعیه قرآن صاعد.

فقد تواتر نقل الصحیفه الکامله عن سیّد الساجدین علیه السلام. و لذا استدّل بها فقهاؤنا الأكابر
و اعظم المجتهدين امثال صاحب الجواهر فی مقام الاستنباط، كما فی صلوة الجمعة.
فتواتر الصحیفه الکامله مغنی عن ذکر اسنادها مع أنّ الطرق الی روايتها کثیرة، وکلّها

تنتهى الى يحيى بن زيد الشهيد عن ابيه عن زين العابدين عليه السلام، و قد توجد روايتها عن محمد بن زيد الشهيد عن ابيه عن الامام السجاد عليه السلام؛ و اخرى فى روايتها عن الامام ابى عبدالله الصادق عن ابيه عن جدّه الامام السجاد عليه السلام.

فيرويها الشيخ الجليل محمد بن احمد بن خاتون العاملى، كما فى اجازته للسيد ظهيرالدين ميرزا ابراهيم الحسينى الهمدانى، و فى طرق المحدث ابو على الحسن بن محمد بن الحسن الطوسى عن ابيه عن محمد بن محمد المفيد، الى أن ينتهى الى مسعدة بن صدقة عن الامام الصادق عليه السلام.

و اما الرواية عن يحيى بن زيد الشهيد، فالطرق اليها كثيرة. وجلّها ينتهى الى الشريف الجليل بهاء الشرف نجم الدين ابى الحسن محمد بن الحسن، من اولاد الحسين ذى الدمعة ابن زيد الشهيد ابن الامام السجاد عليه السلام، و هو المذكور فى اول نسخ الصحيفة الكاملة المتداولة.

و جملة اخرى منها تنتهى الى عمير بن المتوكل، المذكور فى سند الصحيفة. و يرويها عن السيد بهاء الشرف بلا واسطة جماعة، منهم ابن السكون على بن محمد بن على الحلّى، من اجلاء علماء الامامية، ذكره فى «معجم الادباء» ج ١٥ ص ٧٥ و السيوطى فى «بغية الوعاة» ص ٣٥٢؛ و منهم عميد الرؤساء هبة الله بن حامد الحلّى، ذكره جدنا الامام العلامة فى ص ٣٧٦ و ص ٧٦٧ من كتابه «روضات الجنات». و يرويها الشيخ الجليل ابوالعباس احمد بن العباس النجاشى المتوفى سنة ٤٥٠ ق بطريقه الى يحيى بن زيد الشهيد.

و يرويها ايضاً شيخنا ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسى المتوفى سنة ٤٦٠ من طريقين، المنتهيين الى يحيى بن زيد.

و لقد وقع الخلاف فى المقصود بلفظ «حدثنا» الواقع فى اول الصحيفة. فالذى عليه الشيخ البهائى أنّه ابن السكون. و بالغ المحقق الداماد فى انكاره، و ادّعى أنّه عميد الرؤساء.

ولا ثمرة مهمّة فى تشخيص القائل، بعد ثبوت أنّ ابن السكون و عميد الرؤساء، كلاهما فى طبقة واحدة و من تلامذة ابن العصار اللغوى، و يرويان الصحيفة عن السيد بهاء

الشرف المذكور في اول سند الصحيفة. و بالجملة تواتر الطرق و قوة دلالة المتن على
صدوره عن المعصوم عليه السلام يغنينا عن الإطالة في المقام. و قد بسطنا الكلام حولها في كتابنا
«المستدركات على روضات الجنّات».

در آستان صحیفه



Archive of SID